

در این مباحث مسائل کمونیسم و آینده جهان  
براساس پژوهشهای علمی و تجربی بررسی میشود ؛  
نویسندگان فارغ از هرگونه تعصب و عدم اعتقاد به  
«مطلق بودن اعتقاد» مسائل کمونیسم را تجزیه و  
تحلیل می کنند .

## امر واقع

ترالیسم سوسیالیستی فرمان میدهد که مبارزه قهرمانانه توده‌های فشرده  
رنجبران جهان علیه سرمایه‌داران تا مرزهای پیروزی ادامه یابد ؛ در طول دهسال  
اخیر تکنیک این مبارزه قوام یافته و بهمین علت منجر به تغییر تاکتیک درباره‌ای  
از مراکز ثقل سیاسی جهان کمونیسم گردیده است ؛ باید صراحتاً اعتراف کرد که  
مفسران سیاسی جهان غالباً در طریق ریشه‌یابی تغییرات تاکتیکی بدون توجه  
دقیق به استحکام یافتن مبانی تکنیک و استراتژی اترناسیونالیسم عقایدی ابراز  
داشته‌اند که بیشتر ناظر به جنبه‌های تبلیغاتی ضد کمونیسم بوده است .  
روشهایی که مفسران سیاسی غرب در تحلیل مسائل کمونیسم اتخاذ  
کرده‌اند تا حدی متنوع است که ذکر جزئیات همه آنها مستلزم مراجعه به هزاران  
مقاله و کتاب میباشد لیکن جالب ترین مفسران را در دو گروه مختلف میتوان  
طبقه‌بندی کرد :

گروه اول مفسرانی هستند که سعی میکنند زیرکانه «امر واقع» را که  
همان وجود کمونیسم در پهنه عظیمی از کره خاکی است نفی کنند ؛ این گروه  
وجود تضاد را دربین جناحهای مختلف اترناسیونالیسم مورد بررسی قرار میدهند  
و غالباً در بزرگ نمائی این اختلافات تا حدی به مبالغه می‌گیرند که خواننده  
بالطبع میتواند وجود دنیای کمونیسم را نادیده بگیرد باین دلیل که در درون

زمین موادی مذاب در حال غلیان است اما در سطح زمین میتوان آسوده و آرام دراز کشید و به ترفه پرندگان و دیدار گلها دل باخت زیرا که قدرت تجاوز این گدازه‌ها را قشر سختی مهار میکند که با برخوردی خشن جهش‌های خطرناک مواد سیال و پرخروش را درهم میشکند؛ بنا بر این براساس نوشته‌های این قبیل مفسران میتوان یا کمونیست زرد را مواد مذاب خواند و یا کمونیسم سفید را پوسته مانع دانست؛ در هر حال چون دائماً یکدیگر را دفع می‌کنند، هر قدر هم که عظیم باشند بر حسب یک فرمول ساده ریاضی که میلیارد منهای میلیارد مساویست با صفر لذا میتوان دنیای کمونیسم را هیچ پنداشت و کریمانه بحساب نگرفت.

گروه دوم مفسران کسانی هستند که بتبع اهداف خاصی با جملات چشم‌گیر و روحیه شکن خطر کمونیسم را در نقطه‌ای یا نقاطی از دنیا عظیم‌تر از آنچه که هست جلوه میدهند این گروه هراس آفرین هستند و باتحاء مختلف سود جوئی میکنند؛ مظاهر این سودجوئی در کشور های بزرگ غربی آسان ساختن هضم مالیات های سنگین، زمینه سازی برای بسیج نیروهای انسانی و بالاخره روشن ساختن اهمیت پیشرفت فکری و عملی کمونیسم است لیکن در کشور های کوچک‌تر باشکال دیگر از درشت نمائی قدرت کمونیسم بهره‌برداری میشود که چگونگی آن بر حسب شرائط ژئوپولیتیک فرق میکند.

شاید این مفسران که غالباً مردان کار آزموده‌ای هستند آنچه را که می‌اندیشند بروی کاغذ نیاورند و یا اینکه شرایط و مقتضیات سیاسی زمان و مکان مجرای خاصی به نوشته های آنها بدهد در هر حال قبول یا رد این فرض و گمان تأثیری در اصالت یا بی‌اعتباری نوشته های آنها ندارد. تردیدی نیست که عوامل بیشماری موجب میشود که محققان بی‌غرض که صرفاً در کادر علم مسائل سیاسی و اقتصادی جهان را بررسی می‌کنند در استنباط رابطه علیت و ملازم رویداد های امروز جهان دچار اختلاف نظر شوند که بعنوان مهمترین عوامل مؤثر میتوان به میزان معلومات و استعداد و صلاحیت شخصی و بالخصوص محیط اجتماعی محقق اشاره کرد؛ هنگامیکه پاره‌ای از محققان علل پیشرفت کمونیسم را وجود زمینه های فقر و بی نظمی و عدم وجود بهداشت و فرهنگ میدانند بلافاصله انسان متوجه نشود کمونیستها در کشورهائی می‌گردد که سطح رفاه آنها از پیشرفته ترین کشور های سوسیالیستی بالاتر است؛ نقص تحقیق و عدم توجه به قرائن و شواهد موجود باعث میشود که در این قبیل فرضیه‌ها ارتباط علی‌ناشناخته بماند. چنانچه محققان و مفسران را در نقاط نزدیک به راس مخروط اجتماعات انسانی قدر و مکان دهیم تردیدی نیست که پرسیکتو کمونیسم از نقطه دید ملل مختلف جهان که در قاعده این مخروط قرار گرفته‌اند بشدت متنوع خواهد بود؛ هنگامیکه گفته میشود در سرزمین سوسیالیستهای افراطی اختلاف طبقاتی از نظر لباس و خوراک کمتر

بچشم میخورد نقطه عطفی برای افکار گرسنگان جهان بوجود میآید ، برای ایندسته از مردم جهان بیان و تفهیم فلسفه مارکسیسم لزومی ندارد زیرا مهمترین هدف زندگی آنها در دو کلمه «خوراک و پوشاک» مختصر میشود ؛ بهمین دلیل هنگامیکه گرسنگان شورش می کنند هرگز باین واقعیت نمی اندیشند که در مقابل بدست آوردن نان چه چیزهائی را باید از دست بدهند و بازهم فکر نمی کنند که آیا راههای بهتری برای تحصیل نان وجود دارد تا بتوان با حفظ همه مزایای اجتماعی نان هم داشت !؟

ره آورد آندره ژید نویسنده بزرگ فرانسوی از دنیای کمونیسم نشان دهنده اختلاف تأثیر پذیری ملل شرق و غرب در مقابل کمونیسم است ، او با روحیه يك نویسنده فرانسوی یعنی فردی که در سرزمین افکار آزاد رشد یافته قدم بدنیای منظم کمونیستها میگذارد ، او می بیند که کارگر لباس دارد . نان دارد ، پایش نیز برهنه نیست ، همه یکرنگ و یکنواخت هر بامداد از خانه خارج میشوند در صفوف منظم بسوی کارخانه ها میروند ، محصول کار آنها عظیم است ، ساختمانها سر با آسمان ها کشیده اند ، ژید که يك کمونیست متعصب بود هر روز از این پیشرفتها دیدن میکرد و مظاهر تمدن را در سرزمینی میستود که اگر مادر مارکسیسم نباشد دایه او هست . ژید که طبق برنامه از آنچه که باید ببیند دیدن میکرد تصمیم گرفت که بی برنامه از آنچه که میخواهد دیدن کند و با آنکسی که میل دارد سخن گوید ؛ در نخستین مرحله به کارگاهی وارد شد که وضع کارگزارش بخوبی آنچه که قبلا دیده بود نبود ، با کارگران دست داد اما آنها با تردید دستش را فشردند ، با آنها سخن گفته لیکن جواب مناسب نشنید ، در مقام تحقیق برآمد و دریافت که کارگران آن کارگاه از جریان ملاقات ژید اطلاع قبلی نداشته اند لذا نمیدانستند که نظر کمیسر سیاسی کارخانه درباره پاسخهای لازم و مقتضی چیست ؟؟ ژید با همه قدرت ناتوان شد مبانی عقیده ای را که يك عمر بامید ایصال ثمرات دلخوش بود متزلزل یافت و با این جمله کوتاه داستان بزرگش را آغاز کرد : « من از آن نظر به حزب بستگی دارم که حزب براساس حقیقت است بنا براین اگر روزی حزب حقیقت را ترك گوید من نیز حزب را ترك خواهم گفتم !»

این سخن بجمله رادهاکریشان فیلسوف و رئیس جمهور هند بی شباهت نیست که میگوید : «حقیقت از هر دین بالاتر است» اما این حقیقت چیست و مرزهای آن کجاست ؟

مگر حقیقت مطلقی هم در جهان وجود دارد که ما کمونیسم را با آن اندازه گیری و تقویم کنیم و برآن اساس بخوایم گریبان کمونیستها را از این اغوای در دسر انگیز برهانیم !؟

ما چنین قصدی نداریم و بزعم ما کسانی که سعی کرده‌اند با مقیاس مسیحیت کمونیسم را بسنجند و با دست کلیسا کمونیسم را سرکوب کنند سخت در اشتباهند و همچنین آندسته از قدرتهای سیاسی که بسبب محدود شدن پاره‌ای از منافع جهانی خود کمونیسم را با جملات حساب نشده مورد حمله قرار میدهند ناآگاهانه در گروه عوامل مساعد برای پیشرفت کمونیسم قرار گرفته‌اند؛ چنانچه اطلاعات کمی هم از روانشناسی اجتماعی جهان امروز داشته باشیم میدانیم که در دنیای امروز اکثریت مردم جهان ارزش شخصیت‌ها و عقاید را از راه شناسائی دشمنان آن اشخاص یا عقاید تعیین میکنند بدین معنی که اگر دشمنان عقیده‌ای محبوب یا مورد قبول مردم باشند آن عقیده تدریجاً از خانه‌ها طرد میشود در کوچه سرگردان میماند تا جائیکه با دست عقاید مقبول به زباله دان تاریخ هدایت میگردد؛ نتیجه ساده‌ای که از این استدلال ساده‌تر گرفته میشود اینست که دشمنان آلوده کمونیسم یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت این عقیده بوده‌اند لذا هنگامیکه در يك جامعه احتکارگران، جباران، قانون شکنان، طرفداران تبعیض و بیعدالتی در مقام دفاع از دنیای آزاد برآیند و کمونیسم را مورد هجوم قرار دهند دو گناه بزرگ مرتکب میشوند یکی آنکه از روائی و اعتبار مفهوم آزادی کاسته‌اند و دیگر آنکه کمونیسم را در اذهان بمثابه دشمن محترک و جبار و قانون شکن معرفی نموده‌اند؛ ما در این نوشته‌ها که علماً مسائل کمونیسم را بررسی میکنیم مایل نیستیم از گروههای سیاسی جهان یا قدرت‌هایی که مرتکب چنین خطایبائی شده‌اند یاد کنیم زیرا قصد سوجدجویی سیاسی نداریم بلکه علاقمندیم که در کادر علم مسأله کمونیسم و آینده جهان را تجزیه و تحلیل کنیم لیکن بمنظور ارائه يك نمونه نسبتاً جامع مسأله پشرفت کمونیسم را در آفریقا مورد توجه قرار میدهیم؛ براساس آنچه که قبلاً مطرح شد کار استنتاج تا حدی آسان است زیرا در آفریقا قدرت‌های بدنام در صفوف مقابل کمونیسم قرار گرفتند در حالیکه کمونیسم از استقلال کشورهای کوچک دفاع میکرد نظامیان مزدور و بقایای لژیون خارجی که پس از قرارداد صالح الجزایر بیکار مانده بودند بنام عناصر ضد کمونیست در مقابل مردم آفریقا و کمونیست‌ها قرار گرفتند و در حقیقت این مزدوران بزرگترین مبالغان کمونیسم بین‌المللی بودند و بجای آنکه کمونیسم را از پادآورند با آتش تیرهای خود بر صفای چهره آن می‌افزودند! اگر بیطرفانه مسائل کمونیسم را در جهان امروز بررسی کنیم با کمال تعجب نتیجه خواهیم گرفت که «جبر تاریخ» و «اصالت مارکسیسم» موجبات پیشرفت کمونیسم را فراهم نساخته‌است بلکه نیروهای آلوده‌ای که در جنبه مقابل کمونیسم بنعرض پرداخته‌اند تأثیر عظیمی در فراهم کردن شرایط ذهنی بسود کمونیسم داشته‌اند! ما در صدر این مقال پرسشهایی مطرح کردیم لیکن پاسخ نگفتیم و بالاخره معلوم نشد که تلقی صحیح ما از کمونیسم چیست؟

برای روشن کردن این مطلب همانند کمونیستها به تاریخ تکیه می‌کنیم، تاریخ یعنی دریائی که هر غواص بر حسب ذوق خود میتواند هرچه که بخواهد بعنوان «گوهر حقیقت» از اعماق آن بدست آورد و از اصالت آن براساس تاریخ دفاع کند اعم از اینکه در کف خود شن یا مروارید داشته باشد زیرا در هر حال مستند است و مشابه آن در بیکران تاریخ فراوان بچشم میخورد!

از خود به پرسیم که دوران اسکولاستیک چه عیبی داشت؟ دوران اسکولاستیک یعنی همان دورانی که فلسفه و دانش در خدمت کلیسا بود، حتی قوانین جزائی و مدنی تا جائی مورد قبول بود که کلیسا مؤید آن باشد، ادبیات زیر عنوان *Literature D' Eglise* احساساتی مردم را در چهار دیوار افکار کشیش‌ها حبس کرده بود، هنر و تجلیات ذوق بشر در محدوده عقیده کاردینال‌ها عقیم میماند و بیرون از کلیسا مجال پر کشیدن نداشت، دانشمندان را بگناه ارتداد و کفر و زندق به محاکم مذهبی میکشاندند زیرا غالباً فرضیه‌ها و تئوریهای علمی آنها باباورهای کلیسا منافات داشت؛ تئاتر زیر عنوان «میراکل» در قرون سیزده چهارده و پانزدهم نمایش‌روحانیت «سنت ویرژ» و «مقدسان» نداشت و شاهکارهای این نمایش‌ها میراکل نوتردام و تئوفیل بود.

میستر که همان درام مذهبی قرن پانزدهم بود وظیفه داشت که تاریخ مذهب را براساس مصالح کلیسا صفحه‌بندی کند، تابلوهای نقاشی ببالهای فرشتگان و دیوارهای کاتدرال‌ها و کلیساها مزین بود؛ در حقیقت دانش از مرزهای معتقدات کلیسا تجاوز نمی‌کرد و هنر و ذوق ادب نیز در خدمت کلیسا میبود؛ در این دوران تاریخ کلیسا مردم را جابرا نه دعوت به تمکین می‌کرد، تمکین در برابر باورهای عده‌ای که معتقد بودند قوانین و قواعد لایتغیری برای سعادت بشر در اختیار دارند و هرکس باید اجباراً به نظامات موجود تن دردهد و تفکر بمنظور یافتن راه بهتر در قلمرو کفر و ارتداد است.

بشریت از تأکید در اعتقادات معین و جاودانه شناختن و مطاق بودن اعتقادات زبان فراوان برده است که بعنوان نمونه میتوان به جنگ‌های خانمانسوز صلیبی اشاره کرد؛ اما قرن هیجدهم که قرن فلسفه و علم بود استقلال عقل و منطق فردی را اعلام داشت و حفظ فرضیه‌ها و هیپوتزهایی را معتبر دانست که متکی به تجربه و آزمایش باشد؛ قرن بیستم قرن تکنولوژی است مجموعه پیشرفتهای بشر در شصت ساله اخیر چندین برابر بیش از پیشرفتهای طول تاریخ است در این عصر که همه چیز براساس علم و تجربه و آزمایش و تکنیک در حال تغییر و تطور و تکامل است هیچیک از ضوابط و معیارهای علمی و ایدئولوژیک باخصیصهٔ ابدیت روایی و اعتبار ندارند زیرا بی‌اعتباری‌صدها تئوری مسلم تاکنون مسلم گردیده است بنابراین هنگامیکه کمونیسم بشکل یک مذهب یا قواعد و